

هوموپاتی

دکتر محمد رضا توکلی صابری

گذراندن دوره خود و بدون هیچ نوع دارو و درمان پس از مدتی خود به خود ببهبود می‌یابند. بنابراین پزشکنمائی که معجون و داروهای عجیب و غریب تهیه کرده و ادعا دارد که داروهاییش بیماری‌ها را درمان می‌کند، اگر تجویز آن‌ها را به قدری طول دهد تا بیماری ببهبود یابد می‌تواند درمان بیمار را به خود نسبت دهد. فقط باید به نحوی اعتماد و اعتقاد بیمار را نسبت به خود جذب کند. علت دوم این است که بسیاری از بیماری‌های انسان پسیکوسوماتیک هستند یعنی به علت ناراحتی‌های روانی بیمار احساس بیماری جسمی می‌کند. حال اگر به این بیمار یک دارونما (Placebo) مانند کپسول حاوی گردنشاسته و یا شکر بدنه و یا او به پزشک و یا درمانش ایمان داشته باشد، روش درمانی هر

یکی دیگر از درمان‌های شبه علمی که ادعای جایگزینی روش‌های پزشکی را دارد روش هوموپاتی (homeopathy) است. هیچ یک از حوزه‌های شبه علمی به اندازه آن قسمت که به کار بپداشت و درمان پزشکی می‌پردازد موفق و سودآور نیست. در حالی که بعضی از حوزه‌های خدعلم و شبه علم جنبه خیالی، ایدئولوژیک، تفنه‌ی، و یا عقیدتی دارند، جنبه‌های مربوط به پزشکی به خاطر فایده علمی آن سودآوری بیشتری دارد و مدعیان پزشکی که در این زمینه فعالیت دارند نه تنها موفق‌ترند بلکه حتی می‌توانند موفقیت خود را به نمایش بگذارند. رمز موفقیت این افراد دو چیز است. یکی این که بسیاری از بیماری‌های انسان، حتی بعضی از بیماری‌های خطیر، پس از

نظریه‌هایی را ارایه کرده بودند ولی هانمان اولین کسی بود که به طور سیستماتیک آن‌ها را به کار بست. او و شاگردانش گیاهان دارویی، مواد معدنی و ترکیبات مختلف را روی خود و افراد سالم آزمایش می‌کردند و سپس نتیجه مشاهدات خود را می‌نوشتند. بعدها این مشاهدات گردآوری شده و در کتابی به نام «مفردات پزشکی» منتشر شد. بیشتر خواصی را که به داروهای هوموپاتی نسبت می‌دهند حاصل همین آزمایش‌های ابتدایی است که در حدود ۱۵۰ سال پیش از این با اطلاعات و امکانات علمی و فنی آن زمان انجام شده است. فرض هانمان بر این بود که شخص بیمار از سه جزء تشکیل یافته است. جسم، ذهن، و روح. بر اساس این فرض، بیماری عبارت از بروز یک اختلال در بیمار است و باید با برقراری نظم و هماهنگی در بدن شخص بیمار درمان شود. باید به جسم کمک کرد تا خودش خود را محافظت کند، نه این که عوامل و ارگانیسم‌های عامل بیماری را از بین برد. هانمان معتقد بود که عالیم بیماری نتیجه واکنش بدن در برابر بیماری و مقابله با آن است. بنابراین باید واکنش‌ها و عالیم را تقویت کرد، نه این که آن‌ها را از میان برد.

هوموپاتی بر دو اصل استوار است:

۱ - اصل درمان شبیه با مشابه: طبق این اصل برای شخصی که دچار یک بیماری است، چیزی تجویز می‌شود که ایجاد کننده همان ناراحتی است. مثلاً برای بیمار مبتلا به استفراغ مقدار بسیار ناچیزی از یک داروی استفراغ‌آور مانند ایپیکا تجویز می‌شود و به یک بیمار عصبی مقدار کمی قهقهه داده می‌شود. زیرا هر دو ترکیب با مقادیر زیاد به ترتیب سبب استفراغ و تحریک اعصاب می‌شوند.

چه باشد بیمار بهبود خواهد یافت. علاوه بر آن هر چه تعداد بیماران پزشک‌نما بیشتر باشد، ایمان بیمار بیشتر شده و سریع‌تر بهبود می‌یابد. وقتی دوستان و آشنایان بیمار قسم بخورند که سردد چند ماهه آن‌ها با رفتن پیش‌پزشکی که بسیار آرام و مهربان بود و درد دل آنان را شنید و به آن‌ها بسیار احترام گذاشت و بعد یک بسته گرد سفید رنگ را که بسیار نایاب و گران قیمت بود به قیمت ارزانی در اختیار آن‌ها گذاشت و گفت که هر هفته بیمار باید این دارو را که تازه توسط خودش درست می‌شود بباید و بگیرد (چون اگر بماند اثرش از بین می‌رود) البته که دست این فرد اگر هم پزشک نباشد شفا می‌دهد.

هوموپاتی برای درمان بیماری‌ها در سال ۱۷۹۶ توسط ساموئل هانمان پزشک آلمانی (۱۸۴۳ – ۱۷۷۵) پایه‌گذاری شد. او نظریه خود را از نوشه‌های بقراط پزشک یونانی در ۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح گرفت که می‌گفت «بیماری‌ها از چیزهای مشابه پیدا می‌شوند و با استفاده از چیزهای مشابه نیز درمان می‌پذیرند». هوموپاتی از دو واژه یونانی homeo و معنی شبیه یا همسان و pathos به معنی بیماری تشکیل شده است و به معنی استفاده از مواد و یا ترکیباتی است که کاربرد آن‌ها در شخص سالم عالیم همان بیماری را ایجاد می‌کند. هوموپاتی در مقابل طب مرسوم و یا آللوباتی (allopathy) است که شیوه درمان آن بر استفاده از ترکیباتی است که اثر آن‌ها برخلاف عالیم بیماری است و بر ضد آن عمل می‌کند، مانند داروهای ضددرد و یا ضدقارچ. اگر چه بقراط در قرن چهارم پیش از میلاد، و پاراسلوس شیمیدان و پزشک سوئیسی در قرن شانزدهم میلادی چنین

برای این کار استفاده می‌کرد و معتقد بود که این تکنیک انرژی شفابخش ماده موثره را به محلول انتقال می‌دهد، سپس در اثر رقت‌های متوالی انرژی درمانی ماده موثر به آب منتقل می‌شود. به همین جهت هوموپاتها می‌گویند که روش‌های درمانی آن‌ها فاقد عوارض جانبی است زیرا داروهایی را که مصرف می‌کنند بی‌نهایت رقیق است. ولی عوارض داروهایشان با کاهش رقت کمتر می‌شود اما بر خاصیت و فواید دارو و تأثیری نمی‌گذارد.

نکته مهم در مورد هوموپاتی این است که درمان بر حسب هر فرد فرق می‌کند. چنان‌که هوموپاتها معتقدند که باید بیمار را درمان کرد و نه بیماری را و گرنه چیزی به نام بیماری وجود ندارد. بنابراین هوموپاتها هیچ‌گاه علاجیم بیماری را نمی‌پرسند (زیرا حتی علاجیم مشابه بیماری در افراد مختلف با داروهای مختلفی درمان می‌شوند) بلکه سئوالات مختلفی را در زمینه روش زندگی، اعتقادات، عادات و امیال بیمار می‌پرسند. هوموپاتها سعی دارند که تصویری از شخص بیمار به یک عنوان یک فرد ترسیم کنند نه به عنوان حامل بیماری. مثلاً از او می‌پرسند: «دوست داری چه بخوری؟ آیا هنگام خواب دوست داری پنجه را بیندی و یا باز بگذاری؟» «آیا دوست داری رختخوابت گرم باشد یا سرد؟ آیا از ارتفاع می‌ترسی؟ آیا از سر و صدا ناراحت می‌شوی؟ چه چیزی تو را عصبانی می‌کند؟» با داشتن پاسخ این پرسش‌هاست که هوموپاتها می‌توانند تصویری از بیمار به عنوان یک فرد بسازند و به درمان آن پردازند.

هوموپات سعی دارد بیماری را که فشار خون دارد درمان کند نه خود فشار خون را بنابراین درمان

هانمان می‌گفت «هر آن‌چه سبب بیماری می‌شود سبب درمان آن هم می‌شود.» فقط مقادیر مصرف فرق می‌کند. یک نمونه از نمایش این اصل اثر گوگرد بر روی پوست بدن است. خوردن مقدار زیاد گوگرد سبب آبسه‌های پوستی، بیرون زدن دانه‌های پوستی و جوش می‌شود. بنابراین بر طبق این اصل مقدار کمی گوگرد برای درمان جوش‌های پوستی تجویز می‌شود. این روش درمانی برخلاف روش درمان طب معاصر یا طب ال‌لوباتی است که برای درمان هر عارضه‌ای از ترکیب و یا عاملی ضد آن استفاده می‌کند. مثلاً برای درمان فشار خون، از داروهای ضدفسار خون و برای درمان استفراغ از داروهای ضداستفراغ استفاده می‌شود.

۲ - اصل استفاده از حداقل مصرف: هانمان معتقد بود که هر چه دارویی رقیق‌تر باشد تأثیرش بیش‌تر است. به همین جهت هوموپاتها از مواد دارویی با رقت‌های بسیار کم استفاده می‌کنند. یعنی یک داروی مایع را با آب، الكل و یک داروی جامد را با لاکتوز به رقت‌های بسیار پایین می‌رسانند. گاهی داروی حاصل چند میلیونیم رقت اولیه را دارد و با این حال معتقدند که همان خواص اولیه خود را دارد. روش رقیق کردن نیز بدین ترتیب است که یک قسمت از دارو را با نودونه قسمت ماده رقیق‌کننده مخلوط کرده و به شدت تکان می‌دهند، سپس یک قسمت از این مخلوط را با نودونه قسمت ماده رقیق‌کننده مخلوط کرده و تکان می‌دهند و به همین ترتیب یک صدم، یک صدم پیش می‌روند تا به رقت دلخواه برسند. اما باید دانست که رقیق کردن فقط با تکان دادن شدید ظرف پایان نمی‌یابد بلکه باید به شدت به یک سطح سخت زده شود. خود هانمان از یک کتاب قطور جلد چرمی

آن زمان مانند رگزدن، تبیخه کردن، بادکش کردن، زالو اندختن، وادرار کردن بیمار به استفراغ، تجویز مسهل های قوی که بسیار ناخوشایند بیماران بود ارایه می شد. البته روش های درمان هوموپاتی بسیار ملایم تر از طب آللولپاتی در آن زمان بود، و البته به همان میزان هم بی خاصیت تر بود. طب نوین به تدریج و بر اساس مشاهده و آزمایش علمی از دل همه مکاتب مختلف و روش های متعدد درمانی موجود بیرون آمد، زیرا کارآمدتر و موثر تر بود.

از آن جایی که داروهای هوموپاتی بسیار کمتر از داروهای قرن نوزدهم بود، به تدریج پزشکان شروع به استفاده از آن ها کردند. هوموپاتی در طی سال های ۱۸۴۰ به آمریکا رسید و در سال ۱۹۰۰ حدود بیست کالج هوموپاتی در آمریکا وجود داشت. ولی به تدریج فعالیت هوموپاتها کم شده و این کالج ها به تدریج تعطیل شدند. هم اکنون هیچ کالجی در آمریکا وجود ندارد، اما در گوشه و کنار هستند کسانی که در این زمینه کتاب می نویسند و سخنرانی می کنند. حتی هستند پزشکانی که خود را هوموپات می خوانند اما عموماً دکترای پزشکی در طب آللولپاتی دارند و در موارد اورژانس و جراحی روش های طب نوین را به کار می گیرند. فقط در زمان تجویز دارو است که خود را هوموپات می خوانند. انجمن پزشکان آمریکا تا کنون روش هوموپاتی را نپذیرفته است. از آن جایی که مواد موثر قابل تشخیص در فرآورده های هوموپاتی وجود ندارد، سازمان مواد غذایی و دارو (FDA) در آمریکا آن ها را دارو به حساب نمی آورد و بنابراین آن ها را از قوانین مربوط به غذا و دارو معاف کرده و تولید، توزیع و فروش آن ها را کنترل نمی کند و این فرآورده ها در فروشگاه های مختلف

هر بیمار مبتلا به فشار خون با فرد دیگر تفاوت می کند. به گفته یکی از معروف ترین هوموپات های آمریکایی دانا اولمان (Dana Ulman) مهم نیست که بدانیم چه میکروار گانیسمی در یک زن عفونت ایجاد کرده است، بلکه مهم این است که بدانیم چه نوع زنی را این میکروار گانیسم مبتلا کرده است. وظیفه یک هوموپات این است که دارویی پیدا کند که همان علایمی را ایجاد کند که بیمار به آن مبتلا است، سپس مقدار بسیار ناچیزی از آن دارو را برای بیمار تجویز کند. بدین ترتیب بر اساس اصل «درمان شبیه یا مشابه» یک هوموپات برای مخلک بلا دون تجویز می کند، زیرا این گیاه در شخص سالم همان علایمی را ایجاد می کند که مخلک در شخص بیمار ایجاد می کند. در هوموپاتی برخلاف طب مرسوم درمان سرماخوردگی در همه بیماران یکسان نیست و برحسب هر بیمار فرق می کند. همچنین روش درمان برای بیماری که دردهای روماتیسمی دارد و دردش با حرکات تخفیف می یابد با بیماری که در اثر حرکت دردش شدید می شود متفاوت است و یکسان درمان نمی شود.

■ ارزش هوموپاتی

هوموپاتی یکی از شیوه های درمان است که در قرن نوزدهم توسط هانمان ارایه شد. در آن زمان هنوز بسیاری از اکتشافات پزشکی امروزی انجام نشده بودند، علت بسیاری از بیماری ها هنوز ناشناخته بود، و انبوه عظیمی از داروهای موثر امروزین در دسترس نبود. روش هوموپاتی در مقابل داروهای خطرناک مصرفی آن زمان مانند آرسنیک، گوگرد، و کلرور جیوه و روش های خشن طب سنتی

هیچ تغییر و تبدیلی پیدا نکرده است و شاگردان و طرفداران او به کتاب همانمان همانند یک کتاب مقدس که جای هیچ تغییر و تبدیلی در آن نیست نظر می‌کنند. داروهای آن‌ها نیز بر اساس کاربرد تاریخی‌شان مصرف می‌شود، نه بر اساس خواص واقعی درمانی‌شان. همانمان مکتب پزشکی خود را همانند یک آینین مذهبی عرضه داشته و هر کسی را از عمل به جز آن‌چه که خودش توصیه کرده برحذر داشته و گفته است: «کسی که دقیقاً در همان مسیری که من می‌روم گام برندارد، و انحراف حاصل کند، چه به راست و چه به چپ، حتی اگر به نازکی یک رشته کاه باشد، منحرف و خائن است».

این اصل هوموپاتی که «هر بیماری را با دارویی که همان بیماری را ایجاد می‌کند می‌توان درمان کرد» بر هیچ اساس علمی و شواهد بالینی استوار نیست و در نقطه مخالف و برخلاف فارماکولوژی امروزی است. داروشناسی و طب امروزین هر بیماری را با دارویی که اثر فارماکولوژیک متضاد دارد و بر ضد آن عمل می‌کند درمان می‌کند. مثلاً عفونت را با داروهای ضد عفونت و استفراغ را با داروهای خداستفراغ درمان می‌کند. هوموپات‌ها فرد مسموم شده با سرب و یا جیوه را با تجویز سرب و جیوه مداوا می‌کنند! برای درمان اسهال کودکان نیز یک حشره‌کش و موش‌کش قوی به نام تری اکسید آرسنیک تجویز می‌کنند. با این که مقدار این سموم تجویز شده آنقدر ناچیز است که مسموم تحت درمان دارویی بی‌خاصیتی قرار گرفته است، اما مسیله مهم این است که درمان مفید و مناسب از وی منع شده است و خطرات درمان نشدن بیمار و احیاناً مرگ او به طور مستقیم منتنسب به هوموپاتی

بهداشتی و در خواروبار فروشی‌ها به فروش می‌روند. در ایران در سال‌های اخیر با تقليد از هند و بعضی کشورهای در حال توسعه آموزشگاه‌ها و مراکزی برای آموزش هوموپاتی تأسیس شده است. این موضوع هیچ مبنای علمی و پژوهشی ندارد. البته برای کشورهایی چون ایران که بیماران آموزش کافی در مورد استفاده از داروهای مدرن و بسیار قوی را نمی‌بینند، از داروها به طور سرخود استفاده می‌کنند، دستورهای پزشک را در مورد شیوه استفاده از دارو به کار نمی‌گیرند، و تمام داروها را نمی‌خورند، شاید استفاده از داروهای هوموپاتی که نه ماده موثری دارند و نه خاصیتی و تولید آن‌ها هزینه‌ای را در برندارد بهتر از داروهای غربی باشد که مواد اولیه آن با بودجه‌ای گزار از خارج خریده می‌شود. ولی نکته خطرناک این دیدگاه در مورد بیماری‌های خطیر و خطرناکی است که با استفاده از داروهای هوموپاتی ممکن است بیمار از داروهای مهم امروزی که ممکن است آن‌ها را درمان کند باز مانند.

آزمایش‌هایی که تا کنون بر روی داروهای هوموپاتی انجام شده اثربخشی آن‌ها را ثابت نکرده است، و در مواردی هم که داروها اثری داشته‌اند حدود و شدت این اثر همانند یک ماده بی‌خاصیت و یا دارونما بوده است. از آنجایی که روش‌هایی که در علوم پزشکی برای ارزشیابی یک دارو و یا یک روش جدید به کار می‌رود در مورد هوموپاتی به کار گرفته نمی‌شود، بنابراین هوموپاتی جزو «علوم پزشکی» به حساب نمی‌آید و هوموپاتی هنوز در حوزه شبه علم قرار دارد. هوموپاتی بیشتر به آداب و شعائر یک آینین مذهبی شبیه است تا یک روش علمی درمان بیماری‌ها، زیرا از زمان همانمان هنوز

گرم آب وجود دارد. البته پیروان هانمان امروزه از عدد آواگادرو باخبر هستند، اما همیشه از حد رقت تجاوز می‌کنند. کمترین رقتی که به کار می‌برند عبارت است از 10^{16} ، بیشتر رقت‌ها 10^{20} ، و حتی بعضی‌ها 10^{200} هستند. 10^6 یعنی ماده موثره با یک مایع مانند آب و یا الکل و یا یک گرد مانند لاکتوز و یا نشاسته به نسبت یکدهم رقیق شده و رقت حاصل دوباره به نسبت یکدهم رقیق شده و این عمل به همین ترتیب شش بار تکرار شده است. به حساب ریاضی ماده موثره یک میلیون بار (10^6 بار) رقیق شده است. یعنی در رقت نهایی یک قسمت از ماده دارویی در یک میلیون قسمت از ماده حامل و یا بی‌اثر وجود دارد. این مقدار ماده موثره تقریباً برابر ناخالصی‌های موجود در ماده حامل است. 10^{20} یعنی رقت به نسبت یکدهم تا سی بار ادامه یافته است. نتیجه فرآورده حاصل عبارت است از وجود یک قسمت دارو در 10^{30} (یا عدد یک که در جلوی آن سی تا صفر قرار دارد) قسمت از ماده حامل. بیمار باید معادل دو بیلیون قرص و یا یکهزار تن لاکتوز را میل کند تا بتواند احتمالاً یک ملکول از ماده موثره را دریافت دارد. فقط هوموپات‌ها مبتکر این نوع درمان بدون دارو هستند. خاصیت رقت 10^{200} چقدر است؟ در این رقت ماده موثره به نسبت یکصدم به تعداد دویست بار رقیق می‌شود. یعنی به ازای هر ملکول ماده موثره 10^{300} ملکول ماده حامل یا رقیق کننده وجود دارد. یعنی عدد یک که در جلوی آن 200 صفر قرار دارد (10^{200}). متأسفانه تعداد کل اتم‌های جهان بر اساس محاسبه فیزیکدان‌ها یک گوگل (googol) است که معادل عدد یک همراه با صد صفر در جلوی آن است (10^{100}). در این مرحله است که

خواهد بود. در این حالت است که هوموپاتی از حالت یک درمان «بی‌اثر» و «بی‌خاصیت» به یک درمان «خطرناک» «مهلک» درمی‌آید.

رقت‌هایی را هم که هانمان بر طبق آن‌ها داروها را تجویز می‌کند آن‌قدر ناچیز هستند که به جرات می‌توان گفت که اثر فارماکولوژیک و درمانی ندارند. همچنین این گفته هوموپات‌ها که هر چه داروها رقیق‌تر شوند تأثیرشان بیشتر می‌شود برخلاف اصول منطقی و فیزیکی جهان مادی و تجربه حسی روزانه است. این اصل نیز در فارماکولوژی امروزی رد شده است، زیرا رابطه مستقیمی بین مقدار دارو و اثر فارماکولوژیک آن وجود دارد. هر چه مقدار دارو کمتر شود تأثیر آن نیز کاهش می‌یابد. درست همان‌طور که اگر یک محلول رنگین و یا شیرین رقیق‌تر شود رنگ و یا شیرینی آن کمتر می‌شود و نه بیشتر.

با رقیق کردن متوالی محلول‌ها و یا گردهای دارویی پس از مدتی به حد رقت (dilution limit) می‌رسیم و آن مرحله‌ای است که دیگر ماده موثر دارویی در ماده رقیق‌کننده وجود ندارد. هانمان نمی‌دانست که با این کار بعضی از داروهایی از حد رقت گذشته و دیگر هیچ ماده موثره دارویی ندارند. او از فرضیه آواگادرو (Avogadro) شیمیدان و فیزیکدان ایتالیایی معاصر خود بی‌خبر بود. بر اساس فرضیه آواگادرو (بعدها فیزیکدانان عدد آواگادرو را حساب کردند) در هر مول از یک ماده تعداد زیادی اتم و یا ملکول وجود دارد که برابر با $10^{23} \times 6.022$ است. یک مول عبارت است از وزن ملکولی یک جسم بر حسب گرم، بنابراین وزن یک مول آب (وزن ملکولی برابر با 18×10^{-3}) گرم است و تعداد $10^{23} \times 6.022$ ملکول آب در

مختلفی برای اثبات وجود این حافظه سحرآمیز ارایه داده‌اند. مثل این که «اطلاعات» مربوط به ماده موثره به طریقی ممکن است در ملکول حامل یعنی در ساختمان آب یا الكل ذخیره شود. مثلاً در یک رشته از ملکول‌های آب که ترتیب ویژه‌ای دارند، یا با مرتب شدن ایزوتوپ‌هایی نظیر دوتریم یا اکسیژن -۱۸، با ارتعاش پیوسته ملکول‌های آب، البته هیچ گونه سند و مدرک علمی در تأیید این تئوری‌ها تا به حال ارایه نشده و دلایل متعدد علمی در زمینه فیزیک و شیمی وجود دارد که هیچ یک از این تئوری‌ها را نپذیرفیم. اگر هم پذیرفتیم باز سؤال دیگری بی‌پاسخ می‌ماند. سؤال این است: چگونه این خاصیت دارویی که در حافظه ماده حامل جای گرفته است به بدن بیمار انتقال می‌یابد؟ با استعدادی که هوموپات‌ها در فرضیه‌سازی دارند، تصور می‌کنم که این پرسش و پاسخ و تئوری‌سازی هوموپات‌ها هم‌چنان ادامه یابد.

روش‌های تشخیصی هوموپاتی شامل گردآوری تمام مشخصات بیمار، گرایش‌ها، امیال و عادات او و پیدا کردن موادی است که با این مشخصات «جور درآیند». بنابراین هوموپات‌ها روش‌های طب آللپاتی را که شامل ثبت سابقه بیمار، آزمایش خون، ادرار، مدفوع، معاینه قلب و گوش دادن به صدای ریه و بازرسی و معاینه سایر اندازه‌های اوست بیهوده می‌دانند. اساس طب آللپاتی تشخیص بیماری با توجه به عالیم آن است. در حالی که هوموپات‌ها تشخیص بیماری را بیهوده دانسته و سعی می‌کنند بیینند که چه داروی هوموپاتی علاماتی مشابه علامات ناشی از بیماری ایجاد می‌کند. در آن حال آن دارو را تجویز می‌کنند. اگر طب نوین دستاوردهای زیادی دارد فقط

می‌توانیم به تئوری‌های هموپاتی بخندیم. اما فکر می‌کنید واکنش هوموپات‌ها چیست؟ همانند هر گروه شبه علمی و یا فرقه مذهبی اگر شما را متمهم به علم‌زده‌گی، علم‌پرستی، و پوزیتیویست بودن نکنند بی‌درنگ تئوری جدیدی بیش می‌کشنند. آن‌ها هم ریاضیات را به خوبی می‌دانند و با این که قبول دارند که در این رقت‌ها ملکول ماده موثره وجود ندارد، اما می‌گویند که ماده موثره اثرش را به ماده حامل می‌دهد و ماده حامل آن را در حافظه خود ذخیره می‌کند. بنابراین اگر در آخرین رقت‌ها ماده موثره در حامل نباشد به علت این که انرژی ملکول‌های ماده موثره به حافظه ماده حامل منتقل شده، این انرژی است که آزاد شده و سیستم‌های بیو اнерژتیک بدن را تحریک کرده و اثر خود را اعمال می‌کند. آیا چنین حافظه‌ای در بین مواد حامل مثل آب، الكل، و لاکتوز وجود دارد؟ چه طور ماده حامل خواص درمانی ماده موثره را پس از این که در مجاور آن نیست به یاد می‌آورد اما عوارض جانبی آن را فراموش می‌کند؟ آیا وقتی محلول دارویی را روی قرص لاکتوز می‌چکانند و آب تبخیر می‌شود آیا حافظه آن به لاکتور منتقل می‌شود؟ آیا آب که به عنوان حامل به کار می‌رود تماسی را که با مواد شیمیایی دیگر داشته است به خاطر می‌آورد؟ همان‌طور که می‌دانیم آب ماده بسیار متحرکی است، در رودخانه‌ها جاری است، تبخیر می‌شود، بر زمین می‌بارد، در پشت سدها جمع می‌شود در لوله‌ها جریان دارد و در محلول‌های دارویی ساخته هوموپات‌ها وجود دارد. در طی این سفر طولانی خود که با تعداد بی‌شماری مواد مختلف تماس داشته است آیا همه آن‌ها را به یاد می‌آورد؟ البته در این جا هم هوموپات‌ها بی‌کار ننشسته و تئوری‌های

مثلاً آکونینت برای تمام بیماری‌های کلیوی تجویز می‌شود. در طب نوین بیماری‌های کلیوی بخش مفصلی از درمان‌شناسی را تشکیل می‌دهد (از سنگ کلیه تا سرطان کلیه) که در حد خود یک تخصص پزشکی است و عالیم و علل گوناگونی دارد. همین‌طور «تجویز یک داروی هوموپاتی برای درمان بیماری‌های گوارشی» جمله‌ای نامفهوم و غیردقیق است. در طب آللوپاتی بیماری‌های گوارشی می‌تواند بیماری‌های گوناگونی را دربرگیرد. مانند اسهال ساده و دل درد و یا سرطان روده. در طب نوین یا طب آللوپاتی تمام واژه‌ها دقیقاً مفهوم و معنی مشخصی دارند. تمام بیماری‌ها دقیقاً تعریف شده و عالیم آن به طور مشخص بیان شده است. برای درمان هر بیماری نیز داروی معین با ساختمان مشخص و مقدار مصرف معین تجویز می‌شود. مثلاً گفته می‌شود «برای درمان آمیسیاز مزمن یا شدید گوارشی و یا کبدی ۲ تا ۲۴ گرم مترونیدازول در روز یک جا به مدت ۳ - ۲ روز پشت سر هم تجویز می‌شود». نکته دیگر این که هوموپاتی‌ها در مهم‌ترین و حیاتی‌ترین امور پزشکی از طب آللوپاتی استفاده می‌کنند و آن را در کنار طب نوین قابل استفاده می‌دانند و هر کجا که از درمان باز می‌مانند بیمار را به طب نوین ارجاع می‌دهند. یعنی معیار و مشگل‌گشا طب نوین می‌شود. زیرا طب نوین کارایی خود را با کشف بسیاری از بیماری‌های ناشناخته، ابداع روش‌ها و وسائل درمانی جدید، کشف و تهیه داروهای بی‌شمار مانند هورمون‌ها، بیهودش داروهای ضددردها، ویتامین‌ها، ضدباکتری‌ها، مسکن‌ها، آرامبخش‌ها درد و رنج آدمی را کاسته و غلبه را بر بیماری‌های متعدد ممکن ساخته است. غالباً هوموپاتی‌ها می‌گویند که واکسیناسیون و

به این علت است که با روش‌های علمی تمام دستاوردهای آن قابل اثبات و یا نفی است و این خود سنگ محک ارزشمندی است. تا به حال یک آزمایش بی‌خبری یک سویه و بی‌خبری دوسویه در مورد کارایی هوموپاتی انجام نگرفته است، زیرا هوموپاتی‌ها معتقدند با این روش نمی‌توان هوموپاتی را ارزیابی کرد. اگر چنین است، پس باید روش‌های دیگری برای ارزیابی هوموپاتی وجود داشته باشد. این روش‌ها چیستند؟ اگر روشی وجود ندارد، پس باید آن را ابداع کرد. بسیاری از روش‌های توصیه شده در هوموپاتی بر این اساس است که «بیمار معتقد است که داروی هوموپاتی اثر دارد». که البته این نمی‌تواند هیچ‌گاه دلیل کافی و واقعی برای اثبات تأثیر یک دارو باشد اگر جز این بود آزمایشگاه‌های تحقیقاتی عظیمی که در سراسر جهان در زمینه کشف و ارزیابی داروهای جدید کار می‌کنند از خرج هزینه‌های هنگفت سر باز می‌زندند و با دادن داروها به بیماران و گزارش شهادت بیماران در مورد اثربخشی آن‌ها کارایی داروهای خود را اعلام می‌کرند.

روش هوموپاتی همانند بسیاری از معارف بشری قرن نوزدهم مخلوطی از دانستنی‌هایی است که هنوز جنبه علمی پیدا نکرده است، اصطلاحات و واژه‌های دقیق علمی ندارد، و روش‌های درمانی آن بر حدس و گمان استوار است. تعیین مقدار مصرف دارو بر مبنای آزمایش و شناخت دارو و تجویز مقدار متناسب با شدت بیماری نیست. کلمات و اصطلاحات در هوموپاتی در همان سطح قرن نوزدهم است که هنوز علت بسیاری از بیماری‌ها ناشناخته بود و داروهای محدودی هم که در دست بود کاملاً شناخته نشده بودند.

اثر فارماکولوژیک آن‌ها هنوز کشف نشده بود مانند آرسنیک، جیوه، شوکران و پیچک سمی (گیاهی) که حتی تماس با آن در بعضی افراد سبب بروز حساسیت‌های شدید و حتی مرگ می‌شود) هنوز هم در فهرست داروهای هوموپات‌ها قرار دارد. هوموپات‌ها از دستگاه‌های پزشکی و حتی کامپیوتر برای انتخاب نوع دارو استفاده می‌کنند!

اگر هوموپاتی در زمینه درمان بیماری‌ها ادعاهایی دارد، درست در همان زمینه‌هایی است که طب آللوباتی موفق نبوده است (سرطان، طاسی). این عدم توفیق طب آللوباتی مساله مربوط به زمان و پیشرفت دائمی دانش بشر است، یعنی با گذشت زمان و صرف وقت و انرژی در زمینه پژوهش و تحقیق در آینده بسیاری از مشکلات و معماهای پزشکی همانند معماهای گذشته حل خواهد شد. اما پیشرفت طب هوموپاتی از زمان هانمان تا به حال چه بوده است؟ جز این که هنوز مهم‌ترین مرجع این روش خود او است و هنوز هم به کتاب‌های او رجوع می‌کنند. در حالی که از زمان هانمان تا کنون طب آللوباتی دستاوردهای زیادی داشته است، زیرا از روش‌های علمی برای یافتن داروها و روش‌های درمانی موثر و مفید استفاده کرده است.

سرانجام باید افزود داروهای بی‌اثر و بی‌خطر هوموپاتی اگر برای درمان بیماری‌های خطیر و کشنده به کار روند و درمان‌های پزشکی صحیح از بیمار دریغ شود، آن وقت است که این داروها هم خطرناک می‌شوند.

ایمن‌سازی بدن در برابر بیماری‌های عفونی بر اساس قانون درمان شبیه با مشابه هوموپاتی است. این موضوع کاملاً نادرست است و هیچ واقعیتی ندارد. واکسن مقدار کم یک ماده دارویی نیست که اگر به مقدار زیاد داده شود سبب بیماری می‌شود. هم‌چنین اگر غلط و اکسن‌ها را کاهش داده و رقیق‌تر کنند همانند داروهای هوموپاتی موثرتر واقع نمی‌شوند. بر عکس، اگر مقدار مصرف شده از حد معینی کمتر شود واکسن اصلًاً تأثیری ندارد. هم‌چنین واکسن‌ها را نباید به ترتیب معینی مانند داروهای هوموپاتی به تدریج رقیق کرد تا موثر واقع شوند. واکسن‌ها حاوی میکروارگانیسم‌های ضعیف شده و یا کشته شده هستند که تولید پادتن را تحریک کرده و بنابراین بدن را قادر می‌سازند که اگر مورد هجوم میکروارگانیسم‌های زنده و فعل واقع شد بتواند از خود دفاع کند. در واقع اثر واکسن‌ها شبیه مقادیر زیاد میکروب‌های زنده است، نه بر عکس آن. هم‌چنین این که هوموپات می‌گویند که داروهای هوموپاتی سیستم ایمنی بدن را تحریک کرده و سلامتی بدن را تأمین می‌کند بر هیچ اصل علمی آزمایش مبتنی نیست. هوموپات‌ها در حالی که از واژه‌های مدرن پزشکی مانند ایمنی برای توضیح شیوه‌های درمانی هوموپاتی استفاده می‌کنند، هیچ روش علمی آزمایش شده برای نشان دادن بالا رفتن درجه ایمنی بدن ارایه نمی‌دهند. کتاب داروشناسی هوموپات‌ها بیش تر از طب آللوباتی است و شامل حدود ۳۰۰۰ قلم دارو می‌شود. مثلاً یکی از داروهای آن‌ها اشک دختر جوان است! بعضی دیگر مانند عنکبوت سیاه، له شده حشرات زنده، پودر زغال‌سنگ و صدف تهیه‌شان مشکل‌تر است. مواد شیمیایی خطرناک که در زمان هانمان